

جایگاه اخلاق در «دویتی های بختیاری»

صادق میراحمدی*

فاطمه خسروی چلوئی**

چکیده

از ویژگی های بارز مجموعه اشعار دویتی های بختیاری اثر داراب رئیسی، اخلاق است. وی همچون سایر شاعران بزرگ ایران زمین شعر را در خدمت اخلاق قرار داده و در اشعار خود فضایل و رذایل اخلاقی را بسیار به کار برده و فضایل اخلاقی را مورد ستایش و رذایل را مورد نکوهش قرار داده است. وی دعوت به فضایل را اساس کار خود قرار داده و انسانها را از رذایل و ناپاکی ها بر حذر می‌دارد. داراب رئیسی با تاثیر پذیری از آموزه های اسلام و فرهنگ ایران و قوم بختیاری می‌کوشد تا گام مهمی در جهت ترویج فضایل اخلاقی بردارد. در این نوشته اطلاعات به صورت کتابخانه ای گردآوری شده و با روش توصیفی مورد بررسی قرار گرفته شده است. با بررسی دویتی های بختیاری اثر داراب رئیسی فضایی همچون محبت، مهربانی، وفای به عهد، شجاعت و صداقت و رذایل مقابل آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژگان: دویتی، اخلاق، داراب رئیسی، قوم بختیاری، محبت، وفای به عهد

*استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. mirahmadi@sku.ac.ir

**آموزگار اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهرکرد، ایران. fa.khosravi7205@gmail.com

۱. مقدمه

اخلاق و فضایل اخلاقی از جایگاه خاصی در اندیشه داراب رئیسی برخوردار است. اخلاق جمع «خُلُق» است و عبارت است از هیأت و حالت و ملکه‌ای استوار در وجود انسان که باعث به وجود آمدن اعمال به آسانی می شود اعم از آنکه خوب و پسندیده یا زشت و ناپسند باشد (غیاثی کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۳) بنابراین خُلُق ممکن است خوب یا بد باشد. بخشش و شجاعت در ذیل خُلُق های خوب و در مقابل بخل و ترس در ذیل خوی های بد هستند. همچنین خُلُق یک هیأت پایدار و استوار در نفس است و حالت های گذرای آن را شامل نمی شود و این خلق که استوار در نفس است منشأ صدور افعال متناسب با خود است که بدون تأمل و اندیشه صورت می گیرد (شیروانی، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۲). اخلاقی که بر اساس این دیدگاه شکل می گیرد، اخلاق فضیلت نامیده می شود (همان: ۲۲) خلق و خواهای نیک و پسندیده، فضیلت و خلق و خواهای زشت و ناپسند، رذیلت نامیده می شوند.

با تحلیل و ارزیابی مجموعه اشعار «دوبیتی های بختیاری» اثر داراب رئیسی که به گویش بختیاری سروده شده، آشکار شده که مباحث اخلاقی از مهمترین و اساسی ترین موضوعات در اندیشه وی هستند. وی همواره دعوت به فضایل اخلاقی همچون، صداقت، محبت، وفاداری، مهربانی، شجاعت و ... می کند و رذایلی همچون دروغ، بی وفایی، نامهربانی، حرس، ترس و ... را مورد نکوهش قرار می دهد.

تا آنجه که نگارندگان بررسی کرده اند هیچ گونه پژوهشی درباره اخلاق در شعر و اندیشه داراب رئیسی نگاشته نشده است. بنابراین این پژوهش می تواند سرآغازی برای طرح ملاحظ اخلاقی از دیدگاه این شاعر گمنام و خوش ذوق دیار بختیاری باشد. روش این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است بدین صورت که اطلاعات نخست با مراجعه به کتب گرد آوری شده و سپس با روش توصیفی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته شده است.

۲. اخلاق در دوبیتی‌های بختیاری

پس از بیان توضیحاتی درباره اخلاق و شعر دوبیتی، اکنون به بحث اخلاق در دوبیتی‌های بختیاری داراب رئیسی می‌پردازیم. از جمله ویژگی‌های مهم در شعر اخلاقی، توجه به فضایل اخلاقی و نقد رذایل اخلاقی است امری که در مجموعه اشعار دوبیتی‌های بختیاری بسیار برجسته است. در بینش الهی، زندگی انسان دو مرحله دارد: مرحله دنیا و مرحله آخرت. زندگی دنیوی بسیار کوتاه است و در برابر زندگی اخروی چیزی به حساب نمی‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳). منطقی که قرآن کریم درباره دنیا و منع حصر علاقه‌ها به دنیا دارد به دلیل این نگرش قرآنی است، که نشأت وجود را منحصر به نشئه مادی و دنیائی نمی‌داند؛ بلکه نشئه دیگری که بسیار عظیم‌تر از دنیا است یعنی نشئه آخرت را مطرح می‌کند (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۲۰). داراب رئیسی تحت تاثیر این آموزه قرآنی است. فضایل اخلاق سرمایه نجات و رستگاری و عاملی هستند که انسان را به سعادت جاودان می‌رسانند. در مقابل رذایل اخلاقی، عامل بدبختی و شقاوت دائمی انسان هستند (نراقی، ۱۳۹۳: ۴۰). انسان آگاه باید تمام هم خود را در جهت اکتساب فضایل و دوری از رذایل قرار دهد. فضایی همچون مهربانی، محبت، صداقت، وفاداری، بی‌ادعایی و ... بسیار در اشعار داراب رئیسی بیان می‌شود.

خدا دونا پیا بیدن پیا پیل زهر حيله جدا بیدن پیا پیل

به پاکی و گذشت و پایمردی همیشه آشنا بیدن پیا پیل (رئیسی، ۱۳۷۵: ۳۹)

مردان حقیقی از حيله و نیرنگ به دور هستند آنها همواره به دلیل آشنا بودن با فضایی همچون پاکی، بخشش، جوانمردی از رذایل اخلاقی دوری می‌کنند. وی رذایل اخلاقی همچون غرور، دروغ، حرس و طمع، ترس، بی‌وفایی و ... را مطرح و سرزنش می‌کند.

محبت و مهربانی

معمولاً نقطه مقابل محبت را بغض می دانند؛ اثر محبت، احسان و نرمی است و اثر بغض، خشونت و سخت گیری است. با این ملاحظه نقطه مقابل محبت، خشونت است (مطهری، ۱۳۹۱: ۹۰۸). علاقه و محبت به کسی یا چیزی، از قوی ترین عوامل تلاش و انگیزه ساز در انسان، به خصوص نوجوانان و جوانان است. وابستگی های عاطفی، انسان را فعال تر و با انگیزه تر می سازد و تا سرحد فداکاری و پذیرش خطرات می کشاند. پیدایش محبت در دل، موجب تحوّل و دگرگونی انسان می شود. آدمی همواره به سوی فکر و فرهنگ محبوب کشیده می شود (محدثی، ۱۳۸۳). از ویژگی های مهم دوبیتی های داراب رئیسی تکیه بر محبت است.

به دشتِ دلِ محبّت ریشه و نَده درختس سَوز و پُرشگ و بُلنده

به گرما گرم بازارِ توستون هُو تَهنا سایبون هر زمَنده (رئیس، ۱۳۷۲: ۷۸)

زمزمه محبت و دوستی باعث صفا، پایداری و سرسبزی دل انسان است. حتی در فصل بسیار گرم تابستان آن عاملی که باعث خنکی و صفای انسانهای خسته می شود، محبت است.

آیر کمتر به دنیا دل بُوندی درخت گوگری بیشترِ اده بار

بگو تا کئی محبّت وا بمیره پپای جیفه کمتر زمردار (رئیس، ۱۳۷۲: ۱۰۳)

کمتر دل بستگی داشتن به دنیا باعث می شود که روابط برادری استحکام بیشتری داشته باشد و دل بستگی بیشتر به آن باعث ضعیف شدن و از بین رفتن محبت و مهربانی می شود.

خدا سیچه محبت ره به غربت غرور و خودپسندی جاسِ پُر کرد

خدا سیچہ به گندم زار پاکی گله والشگرِ خین خوار کر کرد (رئسی، ۱۳۷۲: ۱۲۰)

نبودن محبت باعث گسترش غرور و خودپسندی می شود. در واقع از نظر داراب رئیسی با گسترش محبت و مهربانی می توان جلو رذیلت غرور و خودستایی را گرفت. مهربانی به معنای توجه نشان دادن به رفاه و احساسات دیگران است (بوربا، ۱۳۹۶: ۱۹۹). مهربانی از مهمترین ویژگی های شعر داراب رئیسی است که بسیار بر آن تأکید شده است. به عنوان مثال می توان ابیات ذیل را بیان کرد:

بیو تا دست و پا داریم و زونی بریم وایک دیار مهررونی
کنیم وایک ز باغ گو گریمون ز ریشه خار زرد دلگرونی
(رئسی، ۱۳۷۲: ۷۸)

بیابید تا زمانی که بدن ما (دست و پا و زانو) سالم است با یکدیگر با مهربانی رفتار کنیم و در باغ برادری خود دلنگرانی ها و نامهربانی ها را از بین ببریم

همس هی دلخوری و دلگرونی همس هی قهر و هی نامهررونی
ز لیو لیوی زمونی عاقل ایویم که وستیمه ز پا و دست و زونی
(رئسی، ۱۳۷۲: ۷۵)

دلخور بودن و دلنگران بودن و قهر کردن باعث نامهربانی انسانها می شود. انسان زمانی آگاه می شود از اهمیت مهربانی که دیگر دست و پا و زانوی وی بیمار شده و یارگیر وی نیستند.

وفای به عهد

در آموزه های دین اسلام بسیار بر وفای به عهد تأکید شده است. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ*

اللَّهِ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (مائده/۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادهای) وفا کنید. چهارپایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است؛ مگر بر آنچه بر شما خوانده می شود. این در حالی است که در احرام هستید، صید را حلال نشمرید، خداوند هر چه را بخواهد حکم می کند.

خداوند افراد را به وفای عهد و پیمان ملزم می کند و می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به قراردادهای خود پایبند باشید. به خاطر اهمیت این مسأله و سایر اموری که در این سوره مطرح شده است، ترجیح بند آیات این سوره «اتقوا الله» است و پیوسته این عبارت تکرار می شود تا با سرکوب هوای نفس، خرد انسانها را به پایبندی بر قراردادها سوق دهد، علت تأکید سوره مائده بر وفای به عهد، اهمیت آن به عنوان یک نیاز اساسی در زندگی اجتماعی است. بی توجهی به عهد و پیمانها موجب می شود که بذریع اعتمادی در میان مردم کاشته، در نتیجه جامعه به هرج و مرج دچار شود. (نورمحمدی: ۸۸). حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر در مورد اهمیت به وفای عهد می فرمایند:

«اگر بین خود و دشمنت قراردادی هستی، یا از جانب خود به او لباس امان پوشاندی، به قراردادت وفا کن و امان دادنت را به امانت رعایت نما، و خود را سپر تعهدات خود قرار ده، زیرا مردم بر چیزی از واجبات الهی چون بزرگ شمردن وفای به پیمان - با همه هواهای گوناگون و اختلاف آراییی که دارند - اتفاق ندارند. مشرکین هم علاوه بر مسلمین وفای بر عهد را بر خود لازم می دانستند، چراکه عواقب زشت پیمان شکنی را آموخته بودند. پس در آنچه بر عهده گرفته ای خیانت نرز، و پیمان خود را مشکن» (نهج البلاغه / نامه ۵۳)

داراب رئیسی تحت تاثیر آموزه های اسلامی بسیار بر فضیلت وفای به عهد تکیه کرده است و آن را مورد ستایش است. فضیلتی که نزد هم قومی های وی نیز از فضیلت های اصلی است.

بیو ایقده به دنیا دل نبندیم

بیو یه عهد و پیمونی بوندیم

خوریم وایک قسم ور پاکی عشق که بی یک گل نگویم و گل نخندیم
(رئییسی، ۱۳۷۲: ۲۹)

وفا ار بو صداقت هم ایاهه ز دینس گوگری هم ای سگاهه
ز زیر برد گهپ آرزوها گل سهر محبت ایدراهه
(رئییسی، ۱۳۷۲: ۸۳)

درباب اهمیت وفاداری داراب متذکر می شود که وفای به عهد باعث به وجود آمدن صداقت و برادری و محبت می شود. به عبارت دیگر می توان وفای به عهد را سرچشمه دیگر فضایل دانست. در مقابل بی وفایی بسیار مورد نکوهش قرار می گیرد. داراب رئیسی پیمان شکنی و بی وفایی را در صدر رذایل اخلاقی قرار می دهد.

دیار بی وفائی چی کویره ولاتس آور بارون زا نداره
ز دشتس آر بلند آبوهه بادی بغیرا خاک، سی تیهه نداره
(رئییسی، ۱۳۷۲: ۱۱۸)

سرزمینی که مردمان آن بی وفا هستند همچون کویر است که ابرهای آن باران ندارد. اگر بادی هم از دشت های کویر بلند می شود، به خاطر خاکی که همراه آن است جز آسیب زدن به چشمان اثر دیگری ندارد.

آیر بی عهد و پیمونی چه داری آیر برف توستونی چه داری؟
تمام مال دنیا آر ز خُت بو آیر یه عمر نادونی چه داری؟
(همان)

انسانی که به عهد و پیمان وفادار نیست هیچ چیزی ندارد همانطور که اگر همه ثروت دنیا را کسی داشته باشد و نادان باشد، در حقیقت هیچ چیزی ندارد.

راستی و صداقت

صداقت یا راستگویی شریفترین صفات پسندیده و رئیس فضایل اخلاقی است (نراقی، ۱۳۹۳: ۳۰۹). انسان راستگو فردی شایسته ستایش است. وی در گفتار و حیاتش صدیق است زیرا اقتضای طبیعتش این است و می توان گفت چنین شخصی انسان

نیکویی است (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱۸۱). در دوبیتی های بختیاری، صداقت و راستی از ویژگی های انسانهای نجیب است.

ندونم راستی کی بار کرده یهو ترک ولات و یار کرده
 زمونه دی دلس آید پر درد زبس که هی درُ شُخوار کرده
 (رئسی، ۱۳۷۲: ۳۶)

در مقابل راستی و صداقت رذیلت دروغ قرار دارد. دروغ بدترین و زشت ترین گناهان است (نراقی، ۱۳۹۳: ۳۰۵). خدای سبحان می‌فرماید: *إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ* (نحل / ۱۰۵). کسانی دروغ پردازی می کنند که ایمان ندارند.

دُرُ چی بردِ کوهستون زیاده صداقت جورِ صیدِ او صیاده
 دُرُ آید سوارِ اسبِ رهوار ز دینس راستی پایِ پیاده
 (رئسی، ۱۳۷۲: ۵۳)

دروغ بسیار مورد نکوهش قرار می گیرد. دروغ همچون سنگ در کوهستان زیاد و بی ارزش است در مقابل صداقت همچون صیدِ صیاد امری کیمیا و گرانبها است. اگر دروغ حاکم بر رفتار و اعمال انسان شود راستی کم ارزش و بی ارزش می شود.

دُرُ گه عهد و پیمونی نداره بُهارسِ باغ و بستونی نداره
 وَنَتِ مِنْ يَه رَهی آر زِسِ گری گوش که او ره هیچ پایونی نداره
 (رئسی، ۱۳۷۲: ۵۳)

انسان دروغگو به عهد و پیمان خود وفادار نیست. و بهار وی نیز بدون باغ و سرسبزی است. کسی که به سخنان دوغگو اعتماد می‌کند به مسیری می‌رود که هیچ پایان درستی ندارد.

شجاعت

شجاعت از برترین کمالات انسانی است و کسی که از شجاعت بی بهره است در حقیقت از مردانگی بهره ای ندارد (نراقی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). ارسطو شجاعت را حد وسط بین بی باکی و ترس معرفی می‌کند و انسان شجاع را کسی معرفی می‌کند که ترس ندارد (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱۳۵). البته این سخن بدان معنی نیست که انسان شجاع در معرض ترس قرار نمی‌گیرد؛ بلکه وی احساس ترس می‌کند ولی به صورت مناسب و شایسته، آنچنان که عقل حکم می‌کند با آن مقابله می‌کند (همان: ۱۳۷). داراب رئیسی نیز شجاعت را از فضایل اصلی به حساب می‌آورد و از شجاعت در مقابله با مشکلات جامعه و زندگی در طبیعت سخن می‌گوید.

گُر بی دا اخواهه تا نترسه ز رعد و برق و باد و برف و بارون
پای سِفَت اِخواهه که وایسته به پایِ ظلم و جورِ روزگارون
(رئیس‌ی، ۱۳۷۲: ۱۰۱)

بیت نخست ناظر بر شجاعت فردی است. انسان شجاع کسی است که از حوادث و بلایای طبیعی باکی ندارد. بیت دوم ناظر به شجاعت به معنای دفاع از حقوق اجتماعی است. از نظر داراب شجاعت هم بعد فردی را در بر می‌گیرد و هم بعد اجتماعی و مدنی. در واقع انسان مدنی خطرها را به علت مکافاتهای ناشی از قانون یعنی خفت‌ها و افتخارات را تحمل می‌کند. به همین دلیل است که شجاعترین اقوام آنهایی هستند که در بین آنها مردمان ترسو مورد حقارت و مردمان شجاع شایسته احترام عموم هستند (ارسطو، ۱۳۸۱، ۱۳۸). خروج از حد اعتدال، باعث می‌شود که فرد از شجاعت خارج شود. از آفت‌های خارج شدن از شجاعت از نظر داراب رئیسی می‌توان به ترس و غرور و حرص اشاره کرد.

مُو تَه تُوِ سُوَارُونِ دَلِیرُمُ مُو آهَنگِ دَلِ صِیَادِ پِیرِمُ
ز نسل تک سُوَارُونِ سِرَافِرَاز ز ترس و سستی و لیشی به دِیرُمُ
(رئِیسی، ۱۳۷۲: ۵۸)

غرور و غفلت سرچشمه هر هلاکتی و مادر هر شقاوتی است (نراقی، ۱۳۹۳: ۳۳۸).
غرور از رذایلی است که بسیار مورد نکوهش داراب رئیسی است.

مسلمونِ خدا ترس و خداجو همس و فکر و ذکرس و ا خدا بو
به نعمت های حق مغرور نابو به سختی ها که ایده هم رضا بو
(رئِیسی، ۱۳۷۲: ۱۱۷)

مسلمان واقعی کسی است که از خدا می ترسد و همواره در پی اوست به گونه ای که همه ای فکر و یاد وی خدا است. وی در عین آنکه راضی به سختی ها و دشواری ها است به نعمت های خداوند مغرور نمی شود.

وُلَاتِی وَا بَرُمُ کِه غَمِ نَبُوهِه نشونی ز بنی آدم نَبُوهِه
نِه پِیری بُوهه نِه فِیسِ جُونِی کسی فکر زیاد و کم نبوهه
(رئِیسی، ۱۳۷۲: ۳۸)

حرص، حالت و صفتی نفسانی است که انسان را بر می‌انگیزاند که به آنچه نیاز ندارد را گردآوری کند بدون آنکه به حد و مقدار معینی قناعت کند (نراقی، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

دَلِ زَنده غَمِ پِیری نَداره محبت کار و ا دِیری نَداره
حَرِیصِ آرزوهای زَمونِه به دنیا باورِ سِیری نَداره
(رئِیسی، ۱۳۷۲: ۳۷)

انسان حریص آرزوهایش سیری ناپذیر است. و هیچ چیزی در دنیا وی را قانع نمی کند.

آیرِ دَنیانِ سر تا سر بگردی آبرِ دریا و حُشکینه بوردی
اِبینی کس پِیانِ نیکنه خوار مَیرِ حرص و طمع و رنگ زردی
(رئِیسی، ۱۳۷۲: ۳۷)

اگر در همه دنیا (خشکی، دریا و آسمانها) سیر کنید هیچ چیزی به اندازه حرص و طمع و رنگ زردی باعث خواری انسان نمی شود.

نتیجه گیری

با توجه با مطالبی که ذکر شد می توان نتیجه گرفت که اخلاق جایگاه ویژه ای در مجموعه اشعار دوبیتی های بختیاری داراب رئیسی دارد. اخلاقی که وی مطرح می کند اخلاقی آیینی است که تحت تاثیر اندیشه های شیعی و بختیاری وی قرار دارد. اخلاق و دین به عنوان مهمترین پشتوانه های معنوی در زندگی انسانها نقش مهمی در دوبیتی های بختیاری ایفا می کند و داراب رئیسی با بیان این مضامین سعی کرده راهنمایی مفیدی برای بهبود وضعیت مردمان قوم خود ارائه کند. مبدا و محور اخلاقیات داراب، خداوند است. وی دلدادگی به دنیا و اصالت قائل شدن برای آن را افتادن در دام رذایل نفسانی می داند. از جمله مهمترین موضوعات اخلاقی که در اینجا مطرح شده می توان به وفاداری، محبت، صداقت، طلب دانش، عدالت، شجاعت و پرهیز از عدم وفاداری، دروغ نگفتن، نامهربانی نکردن، غرور نورزیدن اشاره کرد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۷) ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: انتشارات تلاوت.
- نهج البلاغه (۱۳۹۹) گردآورنده محمد بن حسین شریف رضی. مترجم محمد دشتی. چاپ پنجم. قم: انتشارات هادی مجد.
- ارسطاطاليس (۱۳۸۱) اخلاق نیکوماخس. ترجمه ابوالقاسم پورحسینی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بوربا، میکله (۱۳۹۶) پرورش هوش اخلاقی. ترجمه فیروزه کاوسی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات رشد.
- رئیس، داراب (۱۳۷۵) مجموع اشعار گلبنگ بختیاری با گویش بختیاری. چاپ سوم. اصفهان: انتشارات ایل.
- (۱۳۷۲) دو بیتى های بختیاری. اصفهان: انتشارات ایل.
- شیروانی، علی (۱۳۸۹) اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن. چاپ پنجم. قم: انتشارات دارالفکر.
- غیاثی کرمانی، سید محمدرضا (۱۳۸۸) فضیلت های اخلاقی. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- محدثی، جواد (۱۳۸۳) محبت و مهرورزی. مجله معارف اسلامی، شماره ۵۹.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰) انسان سازی در قرآن. قم: موسسه انتشارات آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱) مجموعه آثار جلد ۲۲. چاپ هفتم. تهران: انتشارات صدرا.
- نراقی، مولی مهدی (۱۳۹۳) اخلاق اسلامی. ترجمه و گزینش جلال الدین مجتوبی. چاپ دوم. تهران: انتشارات حکمت.
- نورمحمدی، عفت (۱۳۸۸)، وفای به عهد، مجله بشارت شماره ۷۰.